

الگویابی نحوه استقرار ابنیه یادمانی، در دو محور شهری قرون نهم و دهم ه.ق.، بر مبنای گزارش‌های دو متن تاریخی*

شاهین گرکانی دشته** محمد مرتضایی*** محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار****

چکیده

۶۱ در طول قرن هفتم تا دهم هجری، هرات و قاهره، دو شهر مهم اسلامی در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شده‌اند. قاهره به‌عنوان پایتخت دولت مملوکان در مقابل هرات به‌عنوان پایتخت دولت تیموریان. در این مقاله، مسئله ساخت‌وساز مجموعه‌های یادمانی و ابنیه مهم شهری، در محدوده دو شریان اصلی؛ خیابان هرات (قسمت جنوبی آن) و خیابان قصبه قاهره، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. هدف از این مقایسه، ارزیابی و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های ساخت‌وساز در این دو شریان مهم شهری و در نتیجه آن، درک درست از تأثیرات احتمالی هر یک از آنها بر یکدیگر است. پرسش اصلی تحقیق آن است که ساخت‌وسازهای انجام‌شده در طول دو محور خیابان هرات و خیابان قصبه، چه وجوه اشتراک و افتراقی با یکدیگر داشته‌اند؟ پژوهش، به روش تحلیلی-تاریخی صورت گرفته و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بر مبنای دو منبع اصلی و مقایسه و تحلیل اطلاعات آن با منابع فرعی دیگر انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که مجموعه‌های یادمانی ساخته‌شده در امتداد خیابان قصبه و قسمت جنوبی خیابان هرات، دارای مشابهت بوده‌اند. در بیشتر این ساخت‌وسازها، مجموعه‌های وقفی با کاربری مذهبی-خدماتی به همراه مقبره واقف، در کنار مسیر خیابان‌ها واقع بوده و این استقرارها، علاوه بر تزئین بدنه‌های شهری، به مسیر، صورت یک خیابان-مزار را نیز می‌داده‌اند. همین‌طور، در نحوه استقرار ابنیه در طول محور خیابان هرات بر خلاف خیابان قصبه، یک نظم به‌نسبت تعریف‌شده شهری نیز قابل مشاهده بوده است. در نهایت، از پژوهش فوق می‌توان نتیجه گرفت که در قرون هفتم تا دهم ه.ق.، نوعی از طراحی محورهای شهری که در آنها به نوع استقرار و تعریف کاربری ابنیه در راستای محور توجه می‌شده، در منطقه خاورمیانه رواج داشته است.

کلیدواژه‌ها: خیابان-مزار، الگوی استقرار ابنیه، خیابان هرات، خیابان قصبه، قاهره

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری شاهین گرکانی دشته با عنوان «بررسی تحولات ساختاری و ریخت‌شناسی میدان و خیابان به همراه مطالعه تأثیرات آن بر نماسازی و بدنه‌سازی شهری در ایران؛ از ایلغار مغول تا آغاز استیلای خاندان صفوی» به راهنمایی دکتر محمد مرتضایی و مشاوره دکتر محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران است.

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. shaahin.dashteh@gmail.com

*** دانشیار، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (نویسنده مسئول).

m_mortezayi2008@yahoo.com

jelodar@ut.ac.ir

**** دانشیار، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

مقدمه

در شهرسازی اسلامی، شارع یا خیابان به مسیری گفته می‌شده که کارکرد آن، بیشتر به منظور ایجاد دسترسی بوده و بعضاً برای حفظ امنیت، بسیار باریک احداث می‌شده است (سلطانزاده، ۱۳۹۲: ۶۹). از قرن هفتم هجری، توجه دوباره به طراحی خیابان‌ها و استقرار مجموعه‌های معماری و ابنیه یادمانی معظم در کنار مسیر آنها، به تدریج رواج می‌یابد (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۰). در این قرن، دو شارع یا خیابان اصلی در قلعه قاهره با نام‌های «قصبه» و «جمالیه» بر روی مسیرهای سلطنتی دوره فاطمی احداث شده و رفته‌رفته با استقرار ابنیه و مجموعه‌های معماری در دو سوی آن مسیر، از حالت یک محور عبوری به صورت یک محور شهری با بدنه معین و تزئین یافته تبدیل می‌شوند (برن، ۱۳۹۱: ۲۴). در محدوده مرزهای فرهنگی ایران نیز در حدود اواخر قرن هشتم و با روی کار آمدن دولت تیموریان، نمونه‌هایی از مجموعه‌سازی در امتداد مسیرهای عبوری رواج می‌یابد که به دلیل کاربری ویژه ابنیه مستقر در آنها که عمدتاً اختصاص به بنای مقابر و ساختمان‌های وابسته به آن داشته، می‌توان از آنها با عنوان مجموعه‌های «خیابان-مزار» یاد کرد؛ مانند خیابان-مزار شاه‌زنده در سمرقند (Baskan, 2007) و خیابان-مزار دارالسیاده در شهر سبز (Masson & Pugachenkova, 1980: 133). این خیابان‌ها را از آن لحاظ که صرفاً محورهای گورستانی بوده‌اند، طبیعتاً نمی‌توان از نظر کاربری با محورهای شهری یا خیابان‌های شهر قاهره مقایسه نمود. در اواسط دوره تیموری در شهر هرات، بر روی محور یک گورستان تاریخی، ابنیه‌ای مطابق با فرم خیابان-مزارهای این عهد احداث می‌شوند. این محور که به «خیابان هرات» معروف است، رفته‌رفته به ستون اصلی ساخت‌وساز در شهر هرات تبدیل شده و بر خلاف سایر محورهای مزاری در عصر تیموری، عمده ابنیه مذهبی و غیرمذهبی در امتداد آن احداث می‌شوند (Golombek, 1983: 96). از نظر ساخت‌وسازهای صورت گرفته در محور خیابان هرات در طول دوره تیموری، این محور را می‌توان یکی از نمونه‌های کهن خیابان شهری با بدنه طراحی شده در این دوره محسوب نمود (Allen, 1983: 32-33) که از نظر ظاهر، مشابه با خیابان-مزارهای عهد تیموری است، اما از نظر کاربری، به محورهای مهم شهری در شهرهای قرون نهم و دهم ه.ق. همانند است.

از آنجایی که دو محور خیابان هرات و خیابان قصبه به‌طور تقریبی در یک حدود یا دوره زمانی احداث شده و شکل‌گیری

بدنه آنها متضمن استقرار بناها، مجموعه‌های یادمانی و موقوفه بوده، انجام پژوهش فوق به منظور بررسی تأثیرات احتمالی متقابل و همچنین ارزیابی تشابهات و افتراقات احتمالی، ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش در پی آن است تا با بررسی ساخت‌وساز مجموعه‌های یادمانی و ابنیه مهم شهری در خیابان‌های قصبه و هرات بر مبنای دو کتاب تاریخی «المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار» و رساله «خاتمه خلاصه‌الخبار فی احوال الاخیار»، ویژگی‌های این مجموعه‌های معماری یادمانی را از نظر نحوه استقرار، نوع کاربری‌ها و چگونگی تعامل آنها با دیگر ابنیه در طول محور این دو خیابان، در حدود قرون نهم و دهم هجری مشخص نماید و تأثیرات احتمالی هر کدام را بر دیگری تبیین کند.

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر این است که بر مبنای مندرجات کتاب «المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار»، ابنیه ساخته‌شده در خیابان قصبه قاهره دارای چه الگوهای استقراری بوده‌اند؟ همین‌طور، بر مبنای گزارش‌های رساله «خاتمه خلاصه‌الخبار فی احوال الاخیار»، ابنیه ساخته‌شده در خیابان هرات چه الگوهایی را در نحوه استقرار دارا بوده‌اند؟ و در آخر، الگوهای استقرار ابنیه در طول محور خیابان هرات، چه وجوه اشتراک و افتراقی با الگوهای استقرار ابنیه در طول خیابان قصبه در قاهره داشته‌اند؟

پیشینه پژوهش

کتاب «المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار» نوشته تقی‌الدین مقریزی (۱۳۹۷) که با عنوان «پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر» به فارسی برگردانده شده، در زمان مملوکان برجی به سال ۸۲۰ ه.ق. نگارش شده است و در آن، اطلاعات ارزنده‌ای در مورد ساخت‌وسازها در مصر دوران اسلامی آمده‌اند. این کتاب در دسته کتبی قرار می‌گیرد که در فرهنگ مصر در دوران اسلامی، به «الخطط» معروف هستند و به مبحث جغرافیا و میراث‌های معماری و شهرسازی اختصاص داشته‌اند (پنجه، ۱۳۸۴). الخطط مقریزی از لحاظ پرداختن به ساخت‌وسازها در پایتخت مصر، تصویری کامل از شهر قاهره تا اوایل دوره ممالیک برجی ارائه کرده است. از این لحاظ برای شناسایی ابنیه‌ای که در ادامه دوره ممالیک برجی در این محور احداث شده‌اند، نیازمند مراجعه به منابع و مستندات دیگری هستیم که متکی بر پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی در عصر حاضر هستند. بر خلاف مصر، در ایران به غیر از کتب جغرافیایی و سفرنامه‌ها، در کتاب‌های دیگر کمتر به بحث موارث معماری و شهرسازی پرداخته شده

است. برنارد اوکین در چند مقاله (2017; 1996)، ضمن بررسی ساخت‌وسازها در طول محور خیابان‌های قاهره، این ساخت‌وسازها را با خصوصیات معماری دوره‌های ایلخانی و تیموری مورد مقایسه قرار داده است. پژوهش‌های او، به رفع ابهام در مورد چرایی استقرار و طراحی بناها در کنار مسیر خیابان کمک فراوانی کرده‌اند. شیلا بلر (2014; 1986) نیز ضمن مقایسه ساخت‌وسازهای عصر مملوکان با آثار معماری و تزئینات معماری دوره ایلخانی، آثار عصر مملوکی را تحت تأثیر روند معماری دوره ایلخانی دانسته است. در بررسی تحولات خیابان هرات، تری آلن (1983) ضمن انجام یک بررسی جامع میدانی، برداشت‌های خود را با متون تاریخی عصر تیموری مورد مقایسه قرار داده است. طرحی که در انتهای کتاب او ارائه شده، یکی از پایه‌های پژوهش در جانمایی ابنیه در خیابان هرات محسوب می‌شود. فکری سلجوقی در چند اثر (۱۳۴۳؛ ۱۳۸۶) بر مبنای مشاهدات میدانی و اقوال معمرین هرات، به جانمایی ابنیه در طول محور خیابان هرات پرداخته است. اوا ماریا سابتلنی (1991) در مقاله "مجموعه موقوفه اخلاصیه امیرعلی شیرنوی در هرات، بنیادی آموزشی و خیریه در عهد تیموری"، به مجموعه اخلاصیه در خیابان هرات و ویژگی‌های وقف در این دوره پرداخته و لیزا گلمبک هم در چند اثر (1969; 1983) ضمن بررسی تحولات در ابنیه شهر هرات، به ویژگی‌های ساخت‌وسازها در خیابان هرات نیز اشاره کرده است.

پژوهش‌های انجام‌شده تا به امروز، تنها به مطالعه یکی از موضوعات مورد نظر در این تحقیق اختصاص داشته و مطالعات اندکی در باب تأثیرات احتمالی این ساخت‌وسازها بر یکدیگر انجام شده‌اند. این پژوهش برای اولین بار ضمن بررسی ویژگی‌های استقرار ابنیه در راستای دو خیابان قصبه و هرات، به مقایسه این ساخت‌وسازها با یکدیگر و تأثیرات احتمالی که ممکن است هر کدام بر دیگری گذاشته باشند پرداخته است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیلی-تاریخی بوده و گردآوری اطلاعات در سه مرحله انجام شده است: ابتدا دو متن تاریخی مبنا مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و داده‌های به‌دست آمده از آنها با سایر متون تاریخی هم‌عصر ارزیابی و مقایسه شده‌اند. در مرحله بعد، داده‌های به‌دست آمده از مرحله اول با مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در دو محوطه تاریخی مورد نظر و همچنین پژوهش‌های امروزی، مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته‌اند. در مرحله نهایی، به

است. در عهد تیموری، دو رساله «مآثرالملوک» و «خاتمه خلاصه‌الخبار فی احوال الاخیار» (هر دو رساله در یک کتاب با عنوان مآثرالملوک تصحیح و منتشر شده است) که هر دو از نگارش‌های غیاث‌الدین خواندمیر (۱۳۷۲) هستند، در بخش‌هایی از آنها اشاره‌های منحصربه‌فردی به آثار و ابنیه این دوره و خصوصاً شهر هرات شده‌اند. «خلاصه‌الخبار فی احوال الاخیار» را خواندمیر در حدود سال ۹۰۵ ه.ق. تألیف نموده و مهم‌ترین قسمت آن، بخش رساله خاتمه است که در ذکر هرات، آثار و بزرگان آن نوشته شده است. گزارشی که خواندمیر از آثار ساخته‌شده در طول خیابان هرات ارائه می‌دهد، به جهت آنکه در اواخر عهد تیموری و در زمان سلطان حسین بایقرا نگارش شده، شامل تمامی آثاری است که در طول دوره‌های آل کرت و تیموری در این محور احداث شده‌اند. یکی از نقایص بزرگ در گزارش خواندمیر در مقایسه با گزارش مقریزی، آن است که خواندمیر تنها به ذکر فهرست بناها به ترتیب قرارگیری از سمت جنوب محور خیابان به سمت شمال آن اکتفا کرده و به ندرت جهت و سوی قرارگیری ابنیه را در دو طرف محور خیابان هرات مورد توجه قرار داده است. به منظور رفع این نقیصه، از سایر کتب و اسناد هم‌عصر با خلاصه‌الخبار مانند: «مجمع‌البحرین و مطلع‌السعدین» (سمرقندی، ۱۳۷۲)، «روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات» (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸)، «مقصد الاقبال سلطانی و مرصد الامال الخاقانی» (واعظ، ۱۳۸۶) و همچنین پژوهش‌های امروزی درباره ابنیه خیابان هرات بهره گرفته شده است.

در مبحث پیشینه پژوهش‌های امروزی، در رابطه با بررسی تحولات خیابان قصبه قاهره، کارولین ویلیامز (2002) در تحقیقی ضمن برشماری آثار تاریخی دوران اسلامی شهر قاهره، به جانمایی آثار معماری در این محور نیز پرداخته است. گزارش او، تصویر کاملی از وضعیت امروزی این ابنیه در بردارد. دوریس ابویوسف برن (۱۳۹۱) در کتاب «معماری اسلامی در قاهره»، با پرداختن به ویژگی‌های معماری آثار این محور، ساختارهای طراحی معماری و تزئینات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. پژوهش او بیشتر جنبه مطالعات معماری داشته و به موضوع استقرار ابنیه در راستای محورهای شهری وارد نشده است. ریچارد یمانس (2006) همراه با بررسی تحولات معماری دوران اسلامی در قاهره، ابنیه محور خیابان قصبه را در کنار سایر ابنیه این شهر بررسی نموده است. کتاب او با عنوان «هنر و معماری دوران اسلامی قاهره» در کنار پژوهش ویلیامز، به روشن شدن نحوه استقرار ابنیه دوره مماليک در راستای محور خیابان قصبه کمک بسیاری کرده

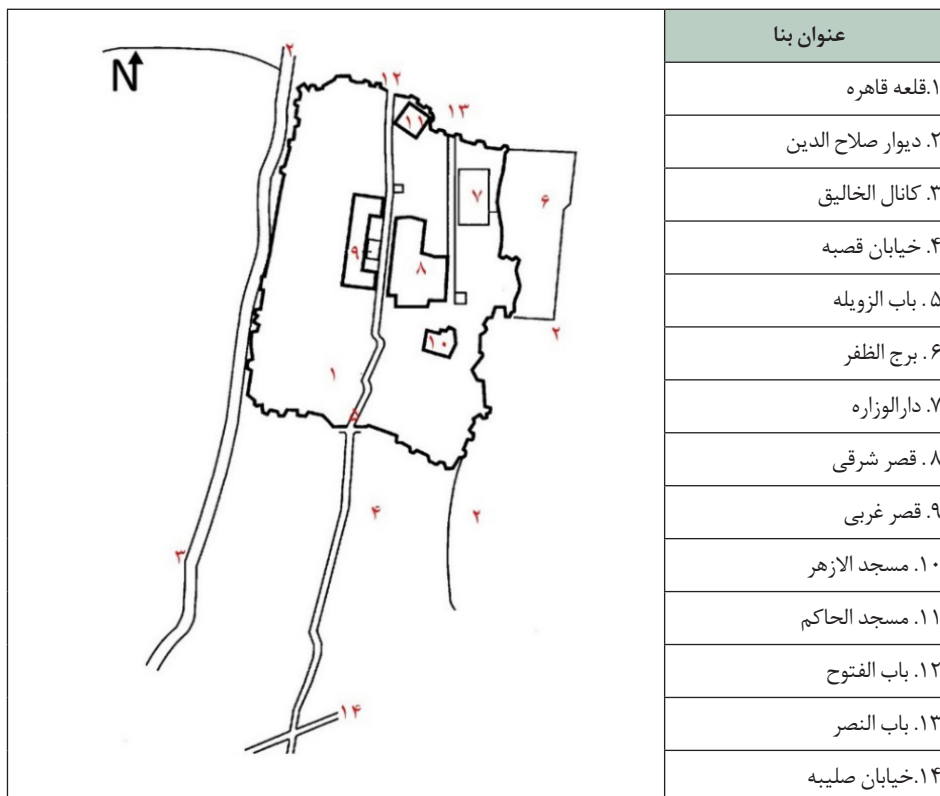
منظور دست‌یابی به نحوه استقرار تقریبی ساخت‌وسازها در دو خیابان هرات و قصبه، با اتکا به داده‌های به‌دست آمده از هر دو مرحله پیشین، خطوط تقریبی ساخت‌وسازها در خیابان هرات و قصبه، ترسیم شده و مورد مقایسه با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

خیابان قصبه قاهره، نگاهی به پیشینه ساخت‌وسازها در این محور بر اساس گزارش مقریزی

خیابان قصبه یا المعزالدین‌الله، یکی از خیابان‌های اصلی شهر قاهره در دوره ممالیک (۶۴۸ تا ۹۱۷ ه.ق.) محسوب می‌شده و قسمت مهمی از آن در منطقه بین‌القصرین واقع بوده است. وجه تسمیه بین‌القصرین، به زمان احداث قاهره در دوره خلفای فاطمی به سال ۳۶۲ ه.ق. بازمی‌گردد. فاطمیان، قاهره را به صورت یک قلعه حکومتی در شمال شهر کهن فسطاط احداث کردند و در دل آن، مجموعه‌ای از قصرهای سلطنتی بنیان نهادند. در دل این قلعه، میدان بزرگی واقع بوده است. در سمت غرب این میدان، مجموعه‌ای بزرگ از قصور خلیفه در دو طرف یک مسیر و در سمت شرق آن نیز مجموعه‌ای به نام دارالوزراء قرار داشته است. به همین جهت، فاطمیان این میدان را بین‌القصرین نام نهادند (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۴۷) (تصویر ۱).

با پایان عمر حکومت فاطمیان در سال ۵۶۷ ه.ق. و روی کار آمدن سلاطین ایوبی، قلعه قاهره به تدریج به محلی برای سکونت مردمان عادی تبدیل شد. مقریزی درباره اقدامات صلاح‌الدین ایوبی، به عوض شدن شکل شهر از حالت یک قلعه جنگی به محلی برای سکونت مردم اشاره کرده و در طی گزارشی، به قصرهای عمده خلفای فاطمی در قاهره پرداخته که در این عهد به منظور ساخت محلات مختلف شهری تخریب شده‌اند. او در پایان عهد ایوبی، قاهره را شهری نامیده که دارای کوی‌ها، محله‌ها و خیابان‌های مختلف بوده است (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۵۳-۱۴۷).

در اواخر عهد ایوبی و هم‌زمان با روی کار آمدن مملوکان بحری به سال ۶۴۸ ه.ق.، هجوم مغولان به خاک ایران سبب می‌شود تا جمعیت عظیمی از مردمان از ترس مهاجمین، به مصر پناه ببرند (همان: ۱۵۳). این افزایش جمعیت باعث می‌شود تا مردمان بسیاری در پایتخت مصر سکنی گزینند و بدین سبب، قاهره بیش از پیش گسترده شده؛ به صورتی که از جنوب به شهر کهن فسطاط و از شمال به گورستان قدیمی می‌پیوندد (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۲۲۰). در طی این دوره، فضای میان میدان بین‌القصرین به بهترین مکان جهت ساخت‌وساز بدل می‌شود. این ساخت‌وسازها به حدی متراکم هستند که



تصویر ۱. قلعه قاهره در زمان ایوبی بر روی نقشه ترسیمی از کارولین ویلیامز (۲۰۰۲) (جانمایی روی نقشه: نگارندگان)

نگارش گزارش مقریزی، «سلطان الموید سیف‌الدین» به سال ۸۱۹ ه.ق. دستور تخریب این زندان را صادر و به جای آن، مجموعه‌ای شامل مدرسه، خانقاه، مقبره و حمام احداث کرده است (برن، ۱۳۹۱: ۲۲۹). این مجموعه، در غرب راه و در کنار باب‌الزویله قرار گرفته است. بنای مقبره در کنار راه واقع بوده و مسجد که قسمت‌هایی از آن در قرن ۱۹ م. تخریب شده، در شرق حمام مجموعه قرار داشته است (Yeomans, 2006: 201). در این مجموعه برای اولین بار در معماری مصر، پیش‌خانی در ورودی بنا با تأثیر از معماری ایرانی احداث شده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۲۲۲). ساخت این نمای بیرونی را می‌توان نشانه‌ای از علاقه ممالیک به طراحی شهری هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ منظری دانست (Williams, 2002: 144).

گزارش مقریزی این‌گونه ادامه یافته است:

«سپس همچنان پیش می‌رود و در سمت راست خود گرمابه فاضل و در سمت چپش، برابر همان گرمابه، گرمابه تیمچه امیر بهاء‌الدین رسلان دوادار ناصری را می‌یابد. [...] [پیش می‌رود] و در سمت چپ خود کوچه‌ای عبوری را می‌یابد که به سوق الحدادین [می‌رود] [...] سپس راه مقابل خود را می‌پیماید [...] در این بازار، بر سمت راستش جامع ظافری معروف به جامع الفاکهین قرار دارد» (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۱). در گزارش مقریزی مشخص است که ابتدای راه در خیابان قصبه، مملو بوده از بنای بازارها، مغازه‌ها، کوچه‌ها و گذرهایی که به محلات و بازارچه‌هایی دیگر می‌رسیده است. تنها بنای شاخص در طول این مسیر، جامع ظافری از ساخته‌های دوره فاطمی است که در سمت شرقی راه واقع بوده است (Williams, 2002: 146). گزارش او در امتداد اولیه راه به همین گونه مملو است از ذکر بازارچه‌ها، سوق‌ها، دکانین، کوی‌ها، تیمچه‌ها تا به مکانی موسوم به «درب‌السلسله» می‌رسد، مقریزی این‌گونه ادامه داده است:

«[...] بعد از این کوچه [...]، درب‌السلسله را می‌یابد که آغاز کوی بین‌القصرین از همین جاست و در قدیم به روزگار فاطمیان، میدانی فراخ بود که هیچ ساختمانی در آن وجود نداشت و هزاران سوار در آن می‌ایستادند، و آن دو قصر محل سکونت خلیفه بود، یکی شرقی که همان قصر الکبیر است و در سمت راست رونده [...]، مقابل این قصر شرقی، قصر غربی قرار داشت که کاخی بود کوچک [...] چون رونده بخواهد ورود به بین‌القصرین را آغاز کند، در سمت چپ خود درب‌السلسله را می‌یابد» (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

محل درب‌السلسله یا راه‌بند، منطقه‌ای بوده که بعد از آن، مجموعه سلطنتی فاطمیان آغاز و راه از آنجا به دو شاخه

از میدان سابق قلعه تنها دو خیابان باقی می‌گذارند که دور تا دور محیط پیرامونی آن را دربر گرفته‌اند. خیابان غربی معروف به قصبه و خیابان شرقی معروف به جمالیه است (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۵۳).

خیابان قصبه از دروازه باب‌الزویله در جنوب قاهره آغاز می‌شده و در شمال غرب قاهره، به باب‌الفتوح ختم می‌شده است. این خیابان در زمان فاطمی به «خیابان بالا» مشهور بوده و از میان مجموعه قصرهای غربی و شرقی فاطمیان در محوطه بین‌القصرین می‌گذشته است (Williams, 2002: 159). خیابان جمالیه، در جبهه شرقی بین‌القصرین واقع بوده و از باب‌النصر در شرق باب‌الفتوح آغاز می‌شده و در میانه راه به خیابان قصبه می‌پیوسته است (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

عمده ساخت‌وسازها در قاهره، در طول دوره ممالیک بحری و برجی در امتداد دو خیابان قلعه قاهره صورت گرفته‌اند (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۳۷۹). ظاهر کلی این دو خیابان در طی دوره‌های بعد از مملوکان، تا حدودی حفظ شده و خطوط اصلی آنها هنوز قابل تشخیص است و بر اساس گزارش مقریزی، می‌توان صورت این خیابان‌ها را در حدود اوایل قرن نهم هجری تصویر نمود. در تحلیل ساخت‌وسازها در طول خیابان قصبه، ضمن پرداختن به گزارش مقریزی، به منظور دست یافتن به صورتی کامل و شفاف از این محور تا پایان عهد ممالیک، به ناگزیر، گزارش او را با پژوهش‌های امروزی مورد مقایسه قرار داده که تفسیر هر کدام، بلافاصله بعد از گزارش مقریزی آمده است.

مقریزی در گزارش خود با نام «ذکر راه‌های قاهره و خیابان‌هایی که اکنون دارد» که در همان کتاب «الخطط» آمده است، ابنیه طول خیابان‌های قصبه و جمالیه را به تفصیل برمی‌شمارد.

گزارش او در این باب، این‌گونه آغاز شده است:

«خیابان بزرگ قاهره از دروازه باب‌زویله تا بین‌القصرین است [...] و از دروازه خرنفش دو راه جدا می‌شود، یکی به سمت راست [...] تا باب‌النصر می‌روند. و دیگری به سمت چپ [...] تا باب‌الفتوح می‌روند. چون رونده از باب‌زویله درآید و آغاز به حرکت کند، در سمت راست خود کوچه [سوق الخلعین را] می‌یابد [...] سپس مستقیم به پیش می‌رود و در سمت چپ خود زندان متولی قاهره معروف به خزانه شمایل، و قیساریه سنقراشقر و کوچه صفیره را می‌یابد» (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). در گزارش مقریزی، جزئیات راه مانند؛ کوچه، مغازه و تیمچه نیز آمده و نشان‌دهنده وجود یک زندگی شهری فعال در خیابان قصبه هستند. اولین بنایی که در این گزارش به آن اشاره شده، زندان متولی قاهره است. تقریباً هم‌زمان با

تقسیم می‌شده است. در اواخر دوره مملوکان برجی و یک قرن پس از گزارش مقریزی، در این ناحیه «ملک اشرف قانسوه الغوری» به سال ۹۰۹ ه.ق. مجموعه‌ای ساخته که به صورت قاش (قرینه) در دو سوی شرقی و غربی معبر قرار داشته است. در این مجموعه، مدرسه و مسجد در سمت غربی مسیر و مقبره، خانقاه، سبیل (سقاخانه) و کُتاب (مکتب‌خانه) در سمت شرقی راه قرار می‌گرفتند؛ به صورتی که مدرسه و خانقاه روبروی هم واقع می‌شدند (برن، ۱۳۹۱: ۲۵۸). مقریزی در ادامه گزارش خود، به شرح مسیر خیابان غربی یا قصبه پرداخته؛ «[...] سپس مستقیم در بازار سیوفین کنونی پیش می‌رود، و در سمت چپ خود دکان‌های شمشیرسازان، و در سمت راستش دکان‌های نقل‌ریزان را [...] می‌یابد» (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). تقریباً در همین قسمت از خیابان در سمت غرب راه، «ملک اشرف برسبای» به سال ۸۲۹ ه.ق. و چند سالی پس از نگارش گزارش مقریزی، مجموعه‌ای می‌سازد که شامل مدرسه، خانقاه، سبیل و کُتاب بوده است (برن، ۱۳۹۱: ۲۳۳) و بر مبنای گزارش مقریزی می‌توان گفت که ساخت این مجموعه با تخریب ابنیه تجاری مستقر در این راسته همراه بوده است. گزارش مقریزی این‌گونه ادامه یافته است: «سپس مستقیم می‌رود، و در سمت راستش گنبد صالحیه، و در کنار آن مدرسه ظاهریه رکنیه را می‌یابد و در سمت چپ آن در بیمارستان منصوری را می‌بیند که درونش گنبد منصوریه قرار دارد و قبرهای شاهان در آن است. [...] و در سمت راستش مدرسه ناصریه را پیوسته به گلدسته گنبد منصوریه می‌بیند [...] سپس پیش می‌رود [...] در سمت چپش مدرسه ظاهریه جدید در کنار مدرسه ناصریه واقع است» (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

در این قسمت از گزارش، مقریزی به مجموعه‌ای از ابنیه و مجتمع‌های موقوفه اشاره کرده که تقریباً در میانه راه خیابان قصبه و در دو سوی مسیر قرار داشته‌اند. در سوی شرقی مسیر، اولین بنایی که به آن اشاره شده، گنبد مقبره صالحیه متعلق به «سلطان صالح نجم‌الدین ایوبی» (۶۳۶ تا ۶۴۷ ه.ق.) است. این بنا، از بقایای مجموعه صالحیه بوده (۶۴۱ ه.ق.) که شامل مدرسه و مقبره می‌شده است. مقبره این مجموعه، اولین بنای تدفینی در شهر قاهره محسوب می‌شده که خارج از مجموعه‌های گورستانی به همراه بنای یک مدرسه ساخته می‌شود و آن را می‌توان مبنایی برای مجموعه‌سازی تدفینی در عهد ممالیک تلقی کرد (برن، ۱۳۹۱: ۱۶۳). کاوش‌ها نشان‌دهنده آن است که این مدرسه به جای بنای آشپزخانه سلطنتی در مجموعه قصرهای شرقی فاطمیان احداث شده است (Williams, 2002: 162). در

شمال این مجموعه، «ملک رکن‌الدین بیبرس البندقداری» از سلاطین آغازین مملوکان بحری (۶۵۹ تا ۶۷۶ ه.ق.)، به جای دو قصر الخیمه و لوتوس از دوره فاطمیان (Ibid: 164)، مدرسه‌ای به همراه مقبره‌ای می‌سازد که مقریزی آن را با نام مدرسه ظاهریه رکنیه در گزارش خود آورده است (۶۶۳ ه.ق.). هدف ملک رکن‌الدین از تخریب قصرهای فاطمی و استقرار مقبره خود در کنار مجموعه صالح، کسب مشروعیت برای دولت ممالیک بوده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

در گزارش مقریزی، به بنای بیمارستان منصوری که روبروی صالحیه قرار داشته، اشاره شده است. این بیمارستان به همراه ابنیه مدرسه و مقبره، مجموعه «منصوریه» (۶۸۴ ه.ق.) را تشکیل می‌دادند که جملگی در عهد «ملک منصور القلاوون» (۶۷۸ تا ۶۸۹ ه.ق.) با تخریب قصرهای غربی دولت فاطمی و به جای بقایای آن ابنیه و در سوی غربی خیابان قصبه احداث شده‌اند (برن، ۱۳۹۱: ۱۶۳). منصوریه، اولین مجموعه یادمانی در قاهره بوده که تحت تأثیر مجموعه‌های یادمانی در سوریه احداث شده است (Williams, 2002: 167). انتظام ابنیه در این مجموعه به این صورت است که در کنار خیابان، دو بنای مقبره و مدرسه روبروی هم قرار داشته و در پشت آنها نیز بنای بیمارستان منصوریه با پلان چهار ایوانی واقع شده است (Ibid: 166). مجموعه منصوریه به دلیل قرارگیری در بدنه خیابان، دارای تزئینات بسیار زیادی بوده؛ به صورتی که به‌عنوان یک نمونه مرجع در حوزه تزئینات معماری در دوره ممالیک، مکرراً مورد رجوع قرار گرفته است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۳؛ O'Kane, 2017: 597).

مقریزی در گزارش خود، به مدرسه ناصریه در سمت راست گنبد منصوریه، که همان جبهه شمالی مجموعه منصوریه می‌شود، اشاره کرده است. این بنا، جزئی از ابنیه مجموعه‌ای بوده مشتمل بر؛ مقبره، مدرسه، سبیل و کُتاب، متعلق به «ملک ناصر محمد بن قلاوون» (۷۰۳ ه.ق.). سبیل و کُتاب در مجاورت مجموعه منصوریه قرار گرفته و دارای تزئیناتی مشابه کاشی‌کاری معماری ایلخانی بوده (برن، ۱۳۹۱: ۱۸۷) و در شمال آن، مدرسه و مقبره‌ای با طرحی مشابه با مدرسه و مقبره منصوریه قرار داشته است (Williams, 2002: 169). در جبهه شمالی مجموعه ناصریه، مقریزی به وجود بنایی با نام «مدرسه ظاهریه جدید» اشاره می‌کند که جزئی از مجموعه ساخته‌شده توسط «ملک ظاهر سیف‌الدین برقوق»، مؤسس شاخه ممالیک برجی (۷۸۹ ه.ق.) است. ملک ظاهر برای کسب مشروعیت، این مجموعه را که مشتمل بر مدرسه و آرامگاه بوده، در کنار یادمان‌های سلاطین پیشین بنا می‌کند. مدرسه ظاهریه جدید با تقلید از مجموعه سلطان حسن، نوه سلطان

به آن واقع بوده‌اند. او تنها در میانه راه در غرب خیابان، به مسجد جامع‌الاقمر اشاره کرده که متعلق به دوره فاطمیان بوده است (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۷). در انتهای خیابان، در نزدیکی باب‌الفتوح، جامع بزرگ الحاکم بامرالله از ابنیه عصر فاطمی در میان دو دروازه باب‌الفتوح و باب‌النصر قرار می‌گرفته است. مقریزی در این قسمت، به مدرسه‌ای به نام صیرمیه در سمت غرب خیابان و نزدیک مسجد الحاکم اشاره کرده (همان: ۱۸۸) و این حد‌نهایی خیابان قصبه یا المعزالدین‌الله بود که در گزارش مقریزی آمده است (تصویر ۲).

تحلیل ساخت‌وسازها و الگوهای استقرار ابنیه در خیابان قصبه قاهره

بر مبنای متن مقریزی و گزارش‌های مرتبط دیگر می‌توان گفت که تا اواخر قرن نهم ه.ق.، در طول خیابان قصبه قاهره، هشت مجموعه بنا و نه تک‌بنا قرار داشته‌اند. این ابنیه غیر از سوق‌ها، تیمچه‌ها، مغازه‌ها و ورودی کوچه‌هایی هستند که مقریزی در امتداد این خیابان از آنها نام برده است. به دلیل ناپایداری قدرت در سلسله مملوکان مصر و وجود این احتمال که هر لحظه ممکن بوده است که ملک از قدرت خلع و اموال خود مصادره شود، اکثر ممالیک در طول حیات خود اقدام به ساخت مجموعه‌های موقوفه کرده‌اند. آنها با سپردن تولید این مجموعه‌ها به بازماندگان، عمدتاً درصدد

قلاوون احداث شده و نمای آن، ترکیبی است از نمای مجموعه منصوریه و مجموعه سلطان حسن، و ارتفاع آن نسبت به ابنیه مجاور خود بسیار بیشتر است (Yeomans, 2006: 201). مقریزی، گزارش خود را این‌گونه ادامه داده است؛ «سپس مستقیم می‌رود و در سمت راست خود در قصر بشتاک را می‌یابد و در سمت چپ خود مدرسه کاملیه [...] را می‌بیند که به مدرسه ظاهریه جدید پیوسته است» (مقریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). مدرسه کاملیه (۶۲۶ ه.ق.)، از ساخته‌های «ملک کامل بن سیف‌الدین ایوبی» (۶۳۵-۶۱۵ ه.ق.) بوده و در سمت غرب خیابان و در جانب شمالی مجموعه ظاهریه قرار داشته است (Williams, 2002: 173). شش دهه بعد از گزارش مقریزی، «ملک اشرف سیف‌الدین اینال» در جانب شمالی مدرسه کاملیه، اقدام به ساخت مجموعه‌ای موقوفه می‌کند که مشتمل بوده بر بنای دو دستگاه حمام زنانه و مردانه که در بالای سر آنها یک و کاله یا کاروانسرای شهری قرار داشته است (Ibid). بر اساس گزارش مقریزی، در روبروی مدرسه کاملیه و در سوی شرقی خیابان، «امیر بشتاک» به سال ۷۴۰ ه.ق.، به جای قصرهای شرقی فاطمیان، قصر جدیدی احداث کرده است (Ibid: 175).

در ادامه گزارش مقریزی در طول خیابان قصبه، سایر ابنیه عمدتاً شامل؛ بناهای بازار، تیمچه‌ها، گرمابه‌ها و خانه‌ها هستند که در بدنه خیابان و یا در داخل کوچه‌های منتهی

عنوان بنا	عنوان بنا
۱. دیوار قاهره	۲. باب الفتوح
۳. باب النصر	۴. باب الزویله
۵. خیابان قصبه	۶. خیابان جمالیه
۷. مجموعه سلطان موید	۸. مسجد ظافری
۹. مدرسه ملک الغوری	۱۰. خانقاه ملک الغوری
۱۱. مدرسه الازهر	۱۲. مجموعه ملک برسبای
۱۳. مجموعه منصوریه	۱۴. مجموعه ناصریه
۱۵. مدرسه ظاهریه	۱۶. مدرسه کاملیه
۱۷. مجموعه ملک اینال	۱۸. مجموعه صالحیه
۱۹. مدرسه ظاهریه رکنیه	۲۰. قصر بشتاک
۲۱. مسجد الاقمر	۲۲. مدرسه صیرمیه
۲۳. مسجد الحاکم	۲۴. منطقه بین القصرین

تصویر ۲. جانمایی ابنیه خیابان قصبه قاهره بر روی نقشه ترسیمی از کارولین ویلیامز (2002) (جانمایی روی نقشه: نگارندگان)

حفظ اموال خود از خطر مصادره بوده‌اند (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۰)؛ به همین دلیل، می‌توان گفت که اکثر مجموعه‌ها و حتی تک‌بناهای یادمانی در طول خیابان قصبه به صورت وقف احداث شده‌اند.

در داخل اکثر مجموعه‌های امتداد خیابان قصبه، به غیر از مجموعه ملک اشرف، مقبره واقف یا خانواده او قرار داشته است. بر اساس پلان مجموعه‌هایی که هنوز در راستای خیابان قصبه قرار دارند، می‌توان به الگوی استقرار ابنیه نسبت به محور خیابان پی برد. در این مجموعه‌ها، نحوه استقرار ساختمان مقابر نسبت به سایر ابنیه مجموعه، به صورت مستقل بوده (O'Kane, 1996: 510) و در مقایسه با نوع استقرار ساختمان‌های دیگر ابنیه مجموعه، نسبت به لبه خیابان، کمی جلوتر قرار داشته است. این نوع طراحی مجموعه‌های یادمانی در عهد مماليك، بیشتر به آن دلیل بوده که بنای آرامگاه نسبت به سایر ابنیه مجموعه، برجسته‌تر و در دیدرس عابران باشد تا مردم با دیدن بنا و شنیدن صدای قاریانی که در آن قرآن می‌خواندند، برای واقف مجموعه دعا کنند (O'Kane, 2017: 601). مملوکان برای اینکه بنای مقبره در کنار مسیر خیابان واقع شود، از ایجاد اعوجاج در طرح کلی بنا یا قرار نگرفتن بنا در راستای قبله نیز ابایی نداشتند (بلر، ۱۳۸۷: ۵۸).

به غیر از مجموعه ملک الغوری که ابنیه آن به گونه قاش‌سازی یا قرینه در دو سوی خیابان تقسیم شده، سایر مجموعه‌های خیابان قصبه از این فرم تبعیت نکرده‌اند. استقرار مجموعه‌ها در ناحیه بین‌القصرین، بسیار متراکم است؛ به صورتی که یک بدنه پیوسته و با نمای تزئین‌یافته را در دو سوی خیابان ایجاد می‌کرده‌اند (هیلن‌براند، ۱۳۸۶: ۳۷۹). الگوی استقراری ارجح در این قسمت از خیابان، جفت‌سازی ابنیه در کنار یکدیگر بوده که همین امر، به ایجاد بدنه‌سازی پیوسته در منطقه بین‌القصرین کمک کرده است.

به غیر از ناحیه بین‌القصرین که ردیف ابنیه سلطنتی به صورت متراکم در دو سوی آن واقع بوده است، استقرار سایر بناهای یادمانی در طول محور خیابان قصبه صورتی پراکنده دارد و احداث آنها بستگی به فراهم شدن زمین خالی در کناره خیابان داشته است. عمده مجموعه‌های وقفی در خیابان قصبه، به جای ابنیه‌ای که از قبل در آن مکان قرار داشته احداث شده‌اند؛ مجموعه‌های منطقه بین‌القصرین، مجموعه ملک موید و مجموعه ملک اشرف. این امر، سبب ایجاد فشردگی و اعوجاج در نقشه مجموعه می‌شده است. به همین دلیل، پلان ابنیه خیلی به ندرت دارای تشابهات کلی با یکدیگر است و عمدتاً معماران در طراحی، بیشتر به شکل

و موقعیت زمین پایبند بوده‌اند تا پیروی از یک پلان عمومی. بر مبنای گزارش مقریزی می‌توان گفت که در راستای دو لبه خیابان قصبه، بناهایی با کارکردهای متنوع مانند؛ مذهبی، مذهبی-زیارتی، خدماتی-مذهبی، خدماتی، تجاری و مسکونی، بدون اولویت‌بندی مشخص واقع شده‌اند. این عدم انسجام، در تمامی طول محور خیابان قصبه به غیر از منطقه بین‌القصرین، قابل مشاهده است. در نهایت، می‌توان گفت که خیابان قصبه یک محور سلطنتی بوده که بعد از دوره فاطمی، رفته‌رفته به یک محور شهری با کاربری‌های عمده تجاری تغییر وضعیت داده است. این تغییر وضعیت در طول دوره مملوکان با احداث مجموعه‌های وقفی با کاربری مذهبی-خدماتی که گور واقف نیز در آنها قرار داشته، بیشتر شباهت به یک خیابان-مزار با ساختمان‌های یادمانی را پیدا کرده که در میان انبوهی از ابنیه عمومی و تجاری شهری قرار داشته است.

محور خیابان هرات، مروری بر پیشینه و دلایل تقسیم آن به دو قسمت شمالی و جنوبی

نام خیابان هرات در اصل، متعلق به منطقه یا بلوکی بوده که در جانب شمالی هرات قرار داشته است. هرات نیز در جانب جنوبی خیابان در میان بلوکی با نام انجیل قرار می‌گرفته است. حافظ ابرو، این دو بلوک را این‌چنین معرفی می‌کند؛ «بلوک انجیل بر شمال رود [هری‌رود] است و شهر هرات داخل این بلوک است. [...] بلوک خیابان بر شمال رود است و بر شمال شهر نیز، متصل بلوک انجیل است بر شمال انجیل» (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۲۱-۱۸). نهر انجیل به همراه جوی‌نو، دو آبراه دست‌ساز بوده‌اند که در شمال هرات از سمت شرق به غرب جریان داشته و آب مزارع و باغات حومه شمالی را تأمین می‌کردند. بلوک خیابان، از ابتدای حد شمالی جوی انجیل آغاز می‌شده و تا حدود شمالی جوی‌نو که به موازات انجیل جریان داشته می‌رسیده است. در میان این بلوک، گذرگاهی شمالی-جنوبی قرار داشته که در عین ایجاد دسترسی به شهر، مکانی برای دفن مردگان در دو سوی آن به حساب می‌آمده است (همان: ۲۱). گذرگاه خیابان با اینکه در حدود بلوک خیابان و در مرکز این بلوک واقع بوده، اما گستره آن به همین ناحیه محدود نمی‌شده است. این گذرگاه از سمت جنوب خود، یعنی پل جوی انجیل وارد بلوک انجیل می‌شده و تا دروازه‌ای که در قسمت شمال غربی شهر با نام «ملک» قرار داشته، امتداد می‌یافته است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۲). این همان گذری است که بعدها به «خیابان هرات» معروف می‌شود (Allen, 1983: 12)؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۵۸

صاحبقران [حسین بایقرا] تجدید عمارت یافت. خانقاه شیخ چاووش» (همان). اولین بنایی که خواندمیر در ابتدای راه به آن اشاره کرده، ظاهراً مجموعه‌ای مشتمل بر مسجد، خانقاه و بازارچه بوده است. اشاره غیرمستقیم خواندمیر به بازارچه و پیوستن نام آن در امتداد مسجد، شاید مؤید این امر باشد که از میان ابنیه این مجموعه، تنها مسجد و خانقاه در لبه راه قرار می‌گرفته‌اند و بازارچه در قسمت پشتی آنها و دور از دید واقع بوده است. در سایر منابع تاریخی، ذکری از این مجموعه و وجه تسمیه آن نیامده و مشخص نیست که شیخ چاووش، واقف مجموعه بوده و یا گور او در داخل آن قرار داشته است؟ تنها تری آلن، مکان آن را در ابتدای راه، در سمت شرقی مسیر تعیین می‌کند: (Allen, 1983: 94). خواندمیر در ادامه آورده است؛ «مدرسه سبز برامان. مسجد امیر فیروزشاه» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴). جایگاه محله برامان در کتاب سیفی هروی، در قسمت غربی دروازه ملک ذکر شده است (هروی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). آلن نیز احتمالاً بر همین مبنا، جایگاه مدرسه برامان (۸۲۸ ه.ق.) را در غرب خیابان آورده است (Allen, 1983: 94). با این حال، او مسجد فیروزشاه (۸۴۸ ه.ق.) را در سمت مقابل مدرسه برامان جانمایی کرده (Ibid) که این بر خلاف گزارشی است که خواندمیر بعدتر در «مآثرالملوک» آورده است. وی مسجد را در سوی غربی راه و در جنب باغ زاغان مشخص ساخته است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۸). ادامه گزارش خواندمیر بدین قرار است؛ «دارالشفاء حضرت صاحبقران [سلطان حسین بایقرا]. لنگر شیخ محیی [...] دارالشفاء حضرت خاقان [شاهرخ]. عمارت سرمزار سادات مصرخ: ساخته و پرداخته یکی از بندگان سلطان صاحبقران. مدرسه مهد علیا ملکت آغا» (همان: ۱۹۴). تری آلن، جایگاه تمامی ابنیه فوق را بر مبنای گزارش خواندمیر، در پشت سر یکدیگر و در قسمت شرقی خیابان آورده است (Allen, 1983: 94). گویا اساس این اقدام او، قرارگیری مصرخ در سمت شرقی راه بوده است. وی بر این مبنا، سایر ابنیه را در بالا و پایین عمارت مصرخ جانمایی کرده است. در سایر منابع این عهد، هیچ ذکر دیگری از این ابنیه نشده و اطلاعات چندانی درباره کیفیت نما و تزئینات آن به‌دست نیامده است. خواندمیر در ادامه این‌گونه آورده است؛ «گنبد سر مزار خواجه چهل گزی: به یمن توجه خاطر امیر ستوده مآثر [امیرعلی شیر نوایی] روی به رونق و رواج آورده [...] مسجد معمور چهارسوق میرزا علاءالدوله: بنا کرده عالی‌جناب مقرب الحضرت السلطانی [شیرنوایی] است» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴). یکی از اقدامات تیموریان در طول خیابان هرات، ساخت

و ۵۹). تا پیش از قرن ششم ه.ق.، بلوک خیابان در شمال جوی انجیل، از لحاظ کاربری و موقعیت شهری با قسمت جنوبی آن که ربض شمالی شهر محسوب می‌شده، دارای تفاوت بوده است. در پی حملات مکرر سپاهیان سلجوقی به منظور فتح هرات است که این ربض تخریب شده و از سکنه خالی شده و به مرور زمان، از لحاظ ظاهر و کاربری به بلوک خیابان می‌پیوندد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۸۷). این پیوستگی بیشتر از دویست سال به طول نمی‌انجامد و در اوایل قرن هشتم ه.ق. در زمان حکومت خاندان آل کُرت در هرات (همان: ۸۱) و همچنین در اواخر همین قرن در دوره تیموری، توسعه حومه هرات در این قسمت سبب می‌شود تا ربض کهن شهر به شکوفایی پیشین خود بازگشته و نقش یک پل ارتباطی میان شهر هرات و بلوک خیابان را ایفا کند (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۲). قسمت جنوبی گذر خیابان نیز که در این ناحیه قرار داشته، در مقایسه با قسمت شمالی آن، هر چه بیشتر در تعامل با شهر هرات قرار گرفته و دارای ظاهر یک محور شهری می‌شود. به دلیل وجود همین مشابهت کارکردی میان قسمت جنوبی خیابان هرات با خیابان قصبه قاهره، از مقایسه تمامی ابنیه طول این محور با نمونه مصری آن پرهیز کرده و فقط به بررسی این ناحیه از خیابان هرات می‌پردازیم.

بررسی ساخت‌وسازها و الگوی استقرار ابنیه در محور جنوبی خیابان هرات بر اساس گزارش خواندمیر

در مقایسه با ابنیه تاریخی دوران اسلامی در شهر قاهره، در هرات، آثار بسیار اندکی از دوران اسلامی و خصوصاً دوره‌های تیموری و آل کُرت بر جای مانده‌اند. بر اساس مستندات تاریخی، خیابان هرات، یکی از ستون‌های اصلی گسترش شهر در دوره تیموری محسوب می‌شده (Golombek, 1983: 96)، اما به دلیل تخریب‌های انجام‌شده در طول سالیان و از میان رفتن اکثر آثار معماری این دوره، تنها با استناد به گزارش‌ها و مستندات تاریخی است که می‌توان تصویری مبهم از حدود ساخت‌وسازها در طول این محور ارائه داد.

پایه شناخت از ساخت‌وسازها در طول خیابان هرات، گزارشی است که غیاث‌الدین خواندمیر در رساله «خاتمه خلاصه‌الخبار» آورده است. خواندمیر در گزارش خود با نام «تعداد بقاع بیرون شهر هرات حرسها الله عن الحادثات» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴)، ابنیه محور خیابان را به صورت فهرست‌وار و به ترتیب از ابتدای جنوبی آن (دروازه ملک) تا انتهای شمالی (عیدگاه هرات) برشمرده و آن را این‌گونه آغاز کرده است؛ «مسجد بازارچه شیخ چاووش: در زمان سلطان

عمارت و در آنگاه برای حظیره‌های کهن بوده است. این اقدام برای چندین حظیره، در این دوره انجام شده (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۸۱؛ ۱۳۸۶: ۴۹۳) که نشانه‌ای از اهمیت به سامان‌دهی ابنیه در امتداد خیابان است. مزار خواجه چهل گزی با توجه به ترسیم آلن و گزارش عبدالله واعظ (قرن نهم) در کنار باغ زاغان (واعظ، ۱۳۸۶: ۵۶)، در سمت غربی راه واقع بوده است. مسجد علاءالدوله نیز به احتمال، جزئی از مجموعه سلطان علاءالدوله تیموری (۸۶۲ ه.ق.) و مشتمل بر مسجد، حمام و چهارسوق بوده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۸). فکری سلجوقی، جایگاه چهارسوق این مجموعه را در پشت مزار خواجه چهل گزی آورده است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۱۰۶). عدم اشاره خواندمیر به سایر ابنیه این مجموعه، می‌تواند نشانگر قرار نداشتن آنها در لبه مسیر خیابان باشد. این مجموعه، فاقد گور واقع بوده؛ زیرا پیکر علاءالدوله در مدرسه مجموعه گوهرشاد مدفون است و نه در مجموعه خود او (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۱۸). گزارش خواندمیر این چنین ادامه یافته است؛ «مدرسه و خانقاه امیر فیروزشاه: در برابر هم ساخته شده و اگرچه خانقاه از حلیه زیب و زینت عاری است اما مدرسه در غایت تکلف است» (همان: ۱۹۴). این اولین اشاره خواندمیر به قرارگیری دو ساختمان نسبت به یکدیگر در طول محور خیابان هرات است. بر این اساس، مجموعه جلال‌الدین فیروزشاه (۸۴۸ ه.ق.) بالاتر از مسجد علاءالدوله احداث شده و به صورت قاش در دو سوی خیابان قرار داشته و بنا بر قول سمرقندی (قرن نهم)، گور امیر جلال‌الدین نیز در زیر گنبدخانه مدرسه واقع بوده است (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۵۶۷). تری آلن، مدرسه را در سمت غرب و خانقاه را در سمت شرق مسیر خیابان جانمایی کرده است (Allen, 1983: 94). خواندمیر در «مآثرالملوک»، به وجود حمامی هم در کلیت مجموعه اشاره کرده که در این گزارش به آن نپرداخته است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۸). این بنا نیز احتمالاً مانند حمام علاءالدوله، نه در راستای خیابان بلکه در پشت خانقاه قرار داشته است؛ به همین دلیل، خواندمیر به آن اشاره‌ای نمی‌کند. ادامه گزارش بدین قرار است؛ «مسجد بانو [..] گوهرشاد آغا [..] در غایت نزاعت [..] و لطافت است. [..] مدرسه شریفه مهد علیا [گوهرشاد]: به حلیه تکلف و زینت [..] مزین [است]. مسجد سرپل انجیل: بنا کرده معمار همت امیر بی‌بدیل [شیرنویی] است» (همان: ۱۹۴). ابنیه مجموعه گوهرشاد در طی سال‌های ۸۲۷ تا ۸۳۶ ه.ق. احداث شده (Allen, 1983: 18) و از معدود آثار خیابان هرات هستند که بقایایی از آنها بر جای مانده‌اند. هر دو بنا در امتداد یکدیگر در سمت غربی خیابان به صورت جفت

قرار داشته و پیکرهای گوهرشاد و فرزندان شاهرخ نیز در زیر گنبدخانه مدرسه مدفون بوده‌اند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۱۸). طبق گزارش سلجوقی، درگاه ورودی هر دو بنا در جبهه شرقی ابنیه و رو به خیابان قرار داشته است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۱۸). مسجد سرپل انجیل که خواندمیر به آن اشاره کرده، بنایی ناشناخته است، در سایر منابع و پژوهش‌ها اشاره‌ای به آن نشده است. تنها از ذکر خواندمیر می‌توان نزدیکی آن به مجموعه گوهرشاد و جوی انجیل را فهمید. اگر فرض نماییم که مدرسه حسین میرزا بايقرا پیوسته به جبهه شمالی مدرسه گوهرشاد قرار داشته (Allen, 1983: 94) و حظیره سعد نیز، که خواندمیر به آن اشاره‌ای نکرده، بر اساس گفته‌های واعظ (قرن نهم ه.ق.) روبه‌روی مدرسه گوهرشاد واقع بوده (واعظ، ۱۳۸۶: ۴۸)، این گونه می‌توان احتمال داد که بنای مسجد سرپل، پایین‌تر از حظیره سعد و روبه‌روی مسجد گوهرشاد قرار می‌گرفته است. خواندمیر این گونه ادامه داده است؛ «از جمله عمارات [..] مدرسه و خانقاهی است که [..] [معماران حسین میرزا] در سر پل انجیل پرداخته‌اند [..] و در مدرسه غربی، سلطان شرقی انتساب [..] جهت مقبره همایون به ترتیب گنبدی [..] اشارت فرموده‌اند» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵).

گویا حسین میرزا بايقرا نیز مانند جلال‌الدین فیروزشاه در راستای خیابان، مدرسه و خانقاهی احداث کرده و مقبره خود را در داخل مدرسه قرار داده است. بر اساس طرح تری آلن، مدرسه که امروزه از آن تنها بقایای چهار منار باقی مانده، در نزدیک پل انجیل، در غرب راه و خانقاه در روبروی آن در شرق مسیر واقع بوده است (Allen, 1983: 94). مجموعه حسین میرزا، دارای ابنیه دیگری نیز بوده، خواندمیر در «مآثرالملوک»، کلیت مجموعه را این گونه کامل کرده؛ «قریب به این بقاع [مدرسه و خانقاه حسین میرزا] حمامی [..] و کاروانسرای دلگشای عمارت فرموده‌اند» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۵). احتمالاً به دلیل واقع نبودن این ابنیه در لبه خیابان، خواندمیر به آنها در گزارش خود اشاره نکرده است. می‌توان فرض نمود که حمام حسین میرزا، مانند حمام فیروزشاه، در پشت خانقاه قرار داشته و کاروانسرا نیز احتمالاً در پشت مدرسه واقع بوده است.

خواندمیر در انتهای گزارش خود در باب قسمت جنوبی خیابان هرات، به مجموعه اخلاصیه که از ساخته‌های امیرعلی شیر نوایی بوده این گونه پرداخته است: «دیگر از ابنیه رفیع‌ه ظاهر این بلده، مسجد جامعی است که [امیر علی شیرنوایی] محاذی منزل شریف خویش

با توجه به دو گزارش فوق، ابنیه مجموعه در شمال و جنوب نهر انجیل این گونه سازمان یافته بوده‌اند که کوشک در شمال مجموعه قرار داشته و در روبه‌روی آن در سمت جنوبی، دارالحفاظ و در جنوب دارالحفاظ، مسجد واقع بوده است. مقبره امیرعلی شیرنواپی نیز گویا در زیر گنبد دارالحفاظ، چسبیده به ضلع شمالی مسجد قرار داشته است (Allen, 1983: 54). دارالشفاء در جنوب مسجد احداث شده و در غرب دارالشفاء، مدرسه اخلاصیه قرار داشته است. همگی ابنیه فوق‌الذکر در کناره شمالی نهر انجیل واقع بوده‌اند. در سمت مقابل آنها در جنوب نهر، حمام روبه‌روی دارالشفاء و خانقاه نیز در غرب حمام در روبه‌روی مدرسه احداث شده است. کلیت مجموعه نیز در قسمت شرقی خیابان قرار داشته‌اند (Allen, 1983: 94; Subtelny, 1991: 45-46). به این ترتیب بر اساس گزارش خواندمیر، شرح ابنیه قسمت جنوبی خیابان هرات به پایان می‌رسد (تصویر ۳).

ساخته‌اند [...] و در شمال این بقعه، دارالحفاظی در کمال زیب [...] اتمام یافته [...] در جانب جنوبی این مسجد، دارالشفائی [...] ساخته است [...] از جمله عمارات [علی شیرنواپی] خانقاه اخلاصیه و مدرسه اخلاصیه است که قریب به دارالشفاء مذکور بنا کرده‌اند [...] و [...] آب [...] انجیل که در میان آنها جریان دارد» (همان: ۱۹۵ و ۱۹۶).

خواندمیر بر خلاف سایر مجموعه‌های محور خیابان هرات، مجموعه امیرعلی شیرنواپی را به‌طور کامل ذکر کرده است. با این حال در گزارش او، محل دقیق ابنیه نسبت به یکدیگر به‌طور کامل مشخص نیست و آن را می‌توان به کمک گزارش دیگر خواندمیر، بدین صورت تکمیل نمود؛ «مدرسه اخلاصیه در کنار نهر انجیل [...] ساخته شده [...] خانقاه اخلاصیه در محاذی مدرسه مذکور [...] تعمیر یافته [...] شفائی در جانب غربی مدرسه مذکور [...] تعمیر یافته [...] حمامی در محاذی شفائی ساخته‌اند [...] در درون باغ مرغنی مسجدی [...] ساخته» (خواندمیر، ۱۳۸۸: ۹۶-۶۳).

عنوان بنا	عنوان بنا
۱. شهر هرات	۲. دیوار کهن هرات
۳. دیوار ملک معزالدين	۴. جوی انجیل
۵. محدوده مصلى هرات	۶. خیابان شمالی هرات
۷. دروازه ملک	۸. مجموعه شیخ چاووش
۹. بیمارستان حسین میرزا	۱۰. لنگر شیخ محیی
۱۱. بیمارستان شاهرخ	۱۲. مصرخ
۱۳. مدرسه مهدعلیا ملک اغا	۱۴. خانقاه فیروزشاه
۱۵. حمام فیروزشاه	۱۶. مسجد سرپل انجیل
۱۷. حظیره سعد	۱۸. خانقاه حسین میرزا
۱۹. حمام حسین میرزا	۲۰. حمام اخلاصیه
۲۱. خانقاه اخلاصیه	۲۲. مسجد اخلاصیه
۲۳. بیمارستان اخلاصیه	۲۴. مدرسه اخلاصیه
۲۵. مسجد سبز برامان	۲۶. مسجد فیروزشاه
۲۷. حظیره چهل گزی	۲۸. مجموعه علاءالدوله
۲۹. مدرسه فیروزشاه	۳۰. مسجد گوهرشاد
۳۱. مدرسه گوهرشاد	۳۲. مدرسه حسین میرزا
۳۳. کاروانسرای حسین میرزا	۳۴. باغ زاغان

تصویر ۳. جانمایی ابنیه قسمت جنوبی خیابان هرات بر اساس اسناد ذکرشده، بر روی نقشه ترسیمی از تری آلن (۱۹۸۳) (جانمایی روی نقشه: نگارندگان)

تحلیل ساخت‌وسازها و الگوهای استقرار ابنیه در قسمت جنوبی خیابان هرات

در طول محور جنوبی خیابان هرات، شش مجموعه معماری و یازده تک‌بنای مستقل قرار داشته‌اند. مجموعه‌های معماری در این محور، به صورت وقفی احداث شده‌اند. در تمامی این مجموعه‌ها (به غیر از شیخ چاووش و علاءالدوله)، گور واقف در درون ابنیه مجموعه واقع بوده است. این گورها عمدتاً در محل مقصوره مدرسه یا مسجد مجموعه جای می‌گرفتند و حالت یک مقبره مستقل را نداشته‌اند (O'Kane, 1996: 510). تمامی مجموعه‌های وقفی که گور واقف در آنها واقع بوده، دارای کاربری مذهبی-خدماتی بودند؛ در حالی که دو مجموعه‌ای که فاقد گور بوده، به دلیل وجود بنای بازارچه، کاربری مذهبی-تجاری داشته‌اند.

مجموعه‌های وقفی خیابان هرات که گور واقف در آنها واقع بوده است، همگی در امتداد هم و در نزدیکی پل جوی انجیل قرار داشته‌اند. مکان استقرار این مجموعه‌ها در دوره تیموری به مصلی معروف بوده است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۱۷). در منطقه مصلی به دلیل تراکم ابنیه معماری و پیوستگی آنها به یکدیگر، احتمال وجود یک بدنه شهری مزین قابل تصور است. بر اساس سنت تزئینات معماری در دوره تیموری (Hillenbrand, 2004: 96)، می‌توان گفت که عمده نمای خارجی این مجموعه، دارای تزئینات کاشی‌کاری بوده و پیش‌خان‌های عظیم آن رو به خیابان و بعضاً به صورت قاش در روبروی هم ساخته شده‌اند (پوگانچکوا، ۱۳۸۷: ۹۰).

استقرار مجموعه‌های معماری نسبت به محور خیابان هرات، به دو گونه مختلف بوده است؛ در گونه اول، تمامی مجموعه در یک سمت محور قرار می‌گرفته، به صورتی که ابنیه مذهبی در ردیف اول و ابنیه غیرمذهبی در پشت آنها در ردیف دوم احداث می‌شدند. در گونه دوم، ابنیه مجموعه در دو سوی محور خیابان استقرار می‌یافتند. در این گونه، دو بنای مدرسه و خانقاه به صورت قاش یا قرینه روبه‌روی هم طراحی شده و سایر ابنیه با کاربری غیرمذهبی در پشت آنها جای می‌گرفته‌اند (جدول ۱).

از بقایای پلان دو مجموعه گوهرشاد و حسین میرزا می‌توان تشخیص داد که طراحی بناها در زمین‌های فراخ صورت گرفته و به دلیل واقع بودن خیابان هرات در خارج از شهر تاریخی، معماران با کمبود زمین برای ساخت‌وساز مواجه نبوده‌اند (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۰۱).

اگر فرض بگیریم که خواندمیر در گزارش خود تنها به

ابنیه‌ای که در بدنه خیابان قرار داشته‌اند اشاره کرده، می‌توان این‌گونه انگاشت که در طول محور جنوبی خیابان هرات، تمامی ابنیه در بدنه خیابان با الگوی جفت‌سازی که مشتمل بر استقرار ابنیه در لبه خیابان و در کنار هم بوده، شکل گرفته‌اند. اغلب ابنیه مستقر در لبه خیابان هرات، شامل مجموعه‌های معماری و یا تک‌بنا بوده و عمدتاً دارای کاربری مذهبی بوده‌اند (به غیر از دو بیمارستان شاهرخ و حسین میرزا)، سایر کاربری‌های خدماتی و خصوصاً تجاری هم در پشت این بدنه استقرار داشته و دسترسی به آنها از طریق گذرهایی که در بدنه خیابان واقع بوده، امکان‌پذیر می‌شده است.

در نهایت می‌توان گفت که محور جنوبی خیابان هرات، یک محور حومه‌ای محسوب می‌شده است که مقابر و مجموعه‌های وقفی متعدد با کاربری‌های مذهبی-زیارتی در آن مستقر بوده‌اند و از طرفی، به دلیل قرارگیری در ربض تاریخی و در نزدیکی شهر، دارای کاربری‌های خدماتی-تجاری نیز بوده است. این تعامل با شهر و حومه، سبب شده تا محور جنوبی خیابان هرات به شکل یک خیابان-مزار شهری درآید که در بدنه آن، کاربری‌های مذهبی و در لایه پشتی آن، کاربری‌های خدماتی-تجاری قرار داشته باشند.

ارزیابی و مقایسه الگوهای استقرار ابنیه در دو خیابان قصبه قاهره و محور جنوبی خیابان هرات

در ارزیابی و مقایسه این دو خیابان، در مرحله نخست باید گفت که خیابان قصبه، یک خیابان کاملاً شهری محسوب می‌شده است که در آن، تعدادی از کاربری‌های یادمانی و مزاری در کنار سایر کاربری‌های شهری واقع بوده‌اند. در مقابل، محور جنوبی خیابان هرات، یک محور حومه‌ای به حساب می‌آمده است که عمده کاربری‌های آن مذهبی-زیارتی بوده و چند کاربری شهری در بین آن قرار داشته‌اند. دوم اینکه قرارگیری کاربری‌ها در طول خیابان قصبه بدون هیچ اولویتی انجام شده است و کاربری‌های مذهبی-زیارتی به همراه سایر کاربری‌های شهری در کنار هم در بدنه خیابان احداث شده‌اند. در مقابل، در محور جنوبی خیابان هرات، کاربری‌های مذهبی-زیارتی در اولویت اول در بدنه خیابان و کاربری‌های شهری در پشت آنها واقع بوده‌اند (تصویر ۴). سومین مسئله هم این است که در طول خیابان قصبه، تأمین زمین جهت ساخت‌وساز عمدتاً با تخریب ابنیه قدیمی میسر بوده و مسئله کمبود زمین و همچنین اصرار واقفان بر قرارگیری مقبره در کناره مسیر خیابان سبب شده که ساخت بناهای جدید به صورت فشرده و با عدول از اصول طراحی متعارف زمانه انجام شود. این در صورتی است که در

مستقل از سایر ابنیه و در لبه خیابان احداث شده و در مقابل، در مجموعه‌های خیابان هرات، گور واقف در داخل مقصوره مدرسه یا مسجد مجموعه ترکیب شده و مسئله در دیدرس بودن مقبره در راستای خیابان مطرح نبوده است (جدول ۲). نکته پنجم اینکه کاربری‌های مدرسه، خانقاه، مسجد، حمام و بیمارستان، در میان مجموعه‌های خیابان قصبه و خیابان هرات مشترک هستند. در مجموعه‌های خیابان قصبه،

نقطه مقابل، به دلیل واقع شدن خیابان هرات در حومه شهر و وجود زمین‌های خالی، مسئله فشردگی ابنیه و بازتعریف طراحی‌های متعارف به چشم نمی‌خورد و شکل هندسی بناها صورت متعارفی را دارا است.

مورد چهارم در این مقایسه این است که در هر دو خیابان، مجموعه‌های وقفی احداث شده‌اند که گور واقف در آنها قرار داشته است. در مجموعه‌های خیابان قصبه، گور واقف به صورت

جدول ۱. مقایسه نوع استقرار مجموعه‌های یادمانی در طول محور خیابان هرات بر اساس ترسیم شماتیک ابنیه نسبت به راستای خیابان هرات

توضیحات	تصویر
مجموعه اخلاصیه: ۱. کوشک، ۲. دارالحفاظ، ۳. مسجد، ۴. بیمارستان، ۵. مدرسه، ۶. حمام، ۷. خانقاه، ۸. خیابان هرات، ۹. گذر، ۱۰. گذر، ۱۱. انجیل	
مجموعه حسین میرزا: ۱. مدرسه، ۲. خانقاه، ۳. حمام، ۴. کاروانسرا، ۵. گذر، ۶. گذر، ۷. جوی انجیل، ۸. خیابان هرات	
مجموعه گوهرشاد: ۱. مدرسه، ۲. مسجد	
مجموعه فیروزشاه: ۱. مدرسه، ۲. خانقاه، ۳. حمام	
مجموعه علاءالدوله: ۱. حمام، ۲. مسجد، ۳. بازارچه	
مجموعه شیخ چاووش: ۱. خانقاه، ۲. مسجد، ۳. بازارچه	

(نگارندگان)

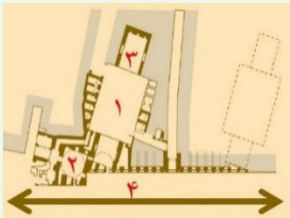
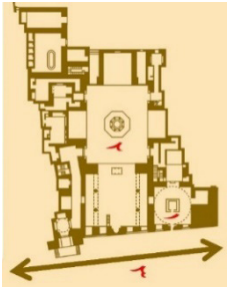
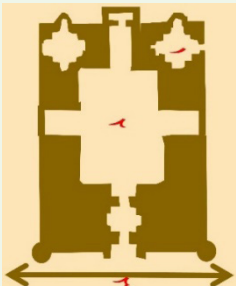
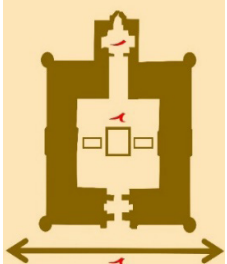
سه کاربری مقبره، سیل و کتاب و در مجموعه‌های خیابان هرات، کاربری بازارچه، منحصربه‌فرد است.

مورد ششم در این ارزیابی این است که در میان مجموعه‌های خیابان قصبه، تنها مجموعه ملک الغوری است که ابنیه آن در دو سوی راه احداث شده است. استقرار این ابنیه، به دو مجموعه فیروزشاه و سلطان حسین میرزا در هرات شباهت دارد. در هر سه مجموعه، دو بنای مدرسه و خانقاه به صورت قاش در دو سوی مسیر واقع شده و سایر ابنیه در پشت آنها مستقر شده‌اند.

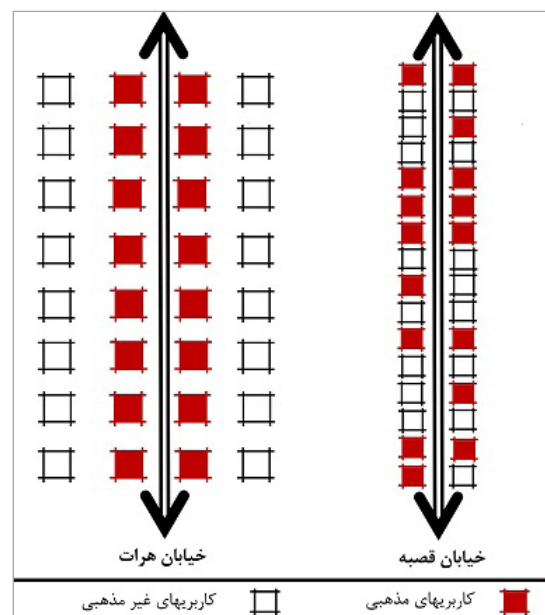
مسئله هفتم و آخر هم عبارت از این است که تجمع مجموعه‌های وقفی یادمانی در منطقه بین‌القصرین قاهره،

بسیار مشابه با تجمع مجموعه‌های وقفی یادمانی در منطقه مصلی هرات است. بین‌القصرین و مصلی، تنها قسمت در طول دو خیابان هستند که الگوی استقرار به صورت جفت‌سازی در هر دوی آنها به‌طور منظم رعایت شده و سبب شده تا بدنه ممتد و تزئین‌یافته در دو سوی معبر ایجاد شود (جدول ۳).

جدول ۲. مقایسه نحوه استقرار مقابر در مجموعه‌ها و ابنیه معماری خیابان قصبه و خیابان هرات

نام بنا و توضیحات	پلان مجموعه
مجموعه صالحیه: (۱) مدرسه، (۲) مقبره، (۳) دیوار قبله، (۴) خیابان قصبه (Yeomans, 2006)	
مجموعه ظاهریه جدید: (۱) مقبره، (۲) مدرسه و خانقاه، (۳) خیابان قصبه (Yeomans, 2006)	
مدرسه گوهرشاد: (۱) مقبره، (۲) مدرسه، (۳) خیابان هرات (Hillenbrand, 2004)	
مدرسه سلطان حسین بایقرا: (۱) مقبره، (۲) مدرسه، (۳) خیابان هرات (گلمیک و ویلبر، ۱۳۷۴)	

(نگارندگان)



تصویر ۴. مقایسه الگوی استقرار کاربری‌های مذهبی و غیرمذهبی در طول دو محور خیابان هرات و قصبه (نگارندگان)

جدول ۳. مقایسه عددی الگوهای استقرار و نوع کاربری‌ها در مجموعه‌ها و ابنیه یادمانی در طول دو محور خیابان قصبه و خیابان هرات

خیابان هرات	خیابان قصبه	الگوهای استقرار و کاربری مجموعه‌ها و بناهای یادمانی	
۶	۸	تعداد مجموعه‌های یادمانی در طول محور	
۱۰	۶	تعداد تک‌بناهای یادمانی در طول محور	
۳	۸	مذهبی-خدماتی	کاربری‌های عمده ابنیه یادمانی
۳	-	تجاری-مذهبی	
۸	۴	مذهبی	
۲	۱	خدماتی	
-	۱	مسکونی	
-	۸	استقرار در لبه خیابان	نحوه استقرار بنای مقابر نسبت به محور خیابان
۵	-	در ترکیب با سایر ابنیه	
۲	۱	استقرار در یک سمت خیابان	نحوه استقرار مجموعه‌ها نسبت به محور خیابان
۴	۷	استقرار در سمت خیابان	

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

در طول قرن هفتم تا دهم هجری، خیابان‌های قصبه و هرات، دو محور یادمانی مهم در فرهنگ شهرسازی این دوره محسوب می‌شدند. احداث مجموعه‌های شهری به صورت متمرکز در طول این محورها، سبب ایجاد بدنه‌های شهری مزین، منظم و یکپارچه شده است. این مجموعه‌ها که به صورت وقف احداث شده، مشتمل بر ابنیه‌ای عام‌المنفعه بوده که گور واقف مجموعه را در بر می‌گرفته‌اند. این اهمیت به قرارگیری گور در ترکیب با مجموعه و احداث آن در کنار مسیری که عابران قادر به رؤیت آن باشند، از ویژگی‌های اساسی در شهرسازی قرون هفتم تا دهم هجری است. ساخت گور واقف در مجموعه‌های تیموری خیابان هرات، به صورت مرکب با ابنیه مجموعه و زیر مقصوره مدرسه یا مسجد بوده و در مجموعه‌های مملوکی خیابان قصبه، به شکل یک گنبدخانه مستقل صورت می‌گرفته است. استقرار این گروه از مجموعه‌های وقفی یادمانی در ترکیب با مزارات واقفان، در کنار بدنه خیابان‌های شهری یا برون‌شهری، موجب ایجاد گونه‌ای از مسیرهای شهری شده که می‌توان از آن با نام «خیابان-مزار» یاد نمود. در ساخت خیابان-مزار هرات، تا حدودی می‌توان به وجود یک طرح منظم شهری پی برد؛ به این صورت که در طول این محور، کاربری‌های مذهبی-مزاری در لبه خیابان و سایر کاربری‌ها در پشت این لبه مستقر بوده‌اند. در خیابان-مزار قصبه، استقرار کاربری‌ها بدون وجود یک طرح شهری مشخص انجام شده است و کاربری‌های مذهبی در ترکیب با سایر کاربری‌های شهری به صورت متراکم در لبه خیابان مستقر بوده‌اند. به دلیل شباهت‌های متعددی که در مقایسه این دو راسته خیابان وجود دارند، می‌توان اذعان داشت که این دو محور یا به‌طور مستقیم تحت تأثیر یکدیگر ساخته شده و یا به تقلید از یک محور مبنایی دیگر که به احتمال، سابقه و قدمتی بیش از این دو محور داشته، احداث شده‌اند. با این همه، خیابان هرات را به این دلیل که دو قرن پس از خیابان قصبه احداث شده، می‌توان یک نمونه متأثر از خیابان قصبه فرض نمود؛ به صورتی که مجموعه‌های معماری در آن، مانند مجموعه‌های خیابان قصبه، به گونه وقف و در ترکیب با مقبره واقف در کنار مسیر عابران احداث شده‌اند و تجمع مجموعه‌های وقفی آن در منطقه مصلی، بسیار تحت تأثیر تجمع مجموعه‌های وقفی در بین‌القصرین بوده است. با این حال، می‌توان گفت که مجموعه ملک الغوری که هم‌زمان با شکوفایی خیابان هرات احداث شده، در ترتیب قرارگیری

ابنیه در دو سوی خیابان تا حدودی تحت تأثیر مجموعه‌های خیابان هرات بوده است. در انتها باید اشاره کرد که با توجه به اهمیت الگوی خیابان-مزارسازی در عهد تیموری و وجود الگوهای مشابه با آن در سایر تمدن‌های هم‌جوار مانند مصر، پیگیری ریشه‌های فرم خیابان-مزار در دوره‌های پیشین مانند عهد ایلخانان می‌تواند از موضوعات جذاب برای پژوهش‌های آتی باشد.

منابع و مآخذ

- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). *معماری تیموری در خراسان*. ترجمه علی اخشینی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- برن، دوریس ابویوسف (۱۳۹۱). *معماری اسلامی در قاهره*. ترجمه اردشیر اشراقی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷). *معماری و جامعه در دوره ایلخانان* (تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی). ترجمه مهرداد قیومی، گلستان هنر، سال چهارم (۱۳)، ۷۳-۴۸.
- بلر، شیلا و بلوم، جان‌تاتان (۱۳۸۱). *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، جلد دوم، تهران: سمت.
- پنجه، معصوم‌علی (۱۳۸۴). *خط‌نگاری در مصر اسلامی*. تاریخ و تمدن اسلامی، ۱ (۲)، ۱۷۳-۱۵۲.
- پوگاجنکووا، گالینا (۱۳۸۷). *شاهکارهای معماری آسیای میانه*. ترجمه داود طبایی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین خوافی (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات*. تصحیح نجیب مایل هروی، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۲). *مآثرالملوک: به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الخبار و قانون همایونی*. تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- ----- (۱۳۸۸). *مکارم‌الاخلاق*. تصحیح محمد عشیق، چاپ دوم، تهران: میراث مکتوب.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات*. تصحیح کاظم امام، چاپ اول، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- سلجوقی، فکری (۱۳۴۳). *خیابان*. چاپ اول، کابل: انجمن جامی.
- ----- (۱۳۸۶). *رساله مزارات هرات*. چاپ دوم، هرات: احراری.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۲). *فضاهای شهری بافت‌های تاریخی ایران*. چاپ پنجم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲). *مجمع‌البحرین و مطلع‌السعدین*. تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گلمیک، لیزا و ویلبر، دونالد (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت‌الله افسر و یوسف کیانی، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی بن عبدالقادر بن محمد (۱۳۹۷). *پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر* (ترجمه *خطط مقریزی*). ترجمه پرویز اتابکی، چاپ اول، جلد چهارم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- واعظ، اصیل‌الدین عبدالله (۱۳۸۶). *مقصد‌الاقبال سلطانی و مرصد‌الامال الخاقانیه*. تصحیح نجیب مایل هروی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هروی، سیف‌ابن محمد بن یعقوب (۱۳۸۵). *تاریخ‌نامه هرات*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۶). *معماری اسلامی (فرم، عملکرد و معنی)*. ترجمه ایرج اعتصام، چاپ اول، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- Allen, T. (1983). *Timurid Herat*. Tubinger: Tubinger Atlas.
- Baskan, S. (2007). Archaeological and architectural detection about the samarkand shah-izinda. *International conference Islamic Civilization in Central Asia*. Istanbul: research center for Islamic History. 33-36.
- Blair, S. (1986). The Mongol capital of Sultaniya. *Iran*, 24 (1), 139-151.

- ----- (2014). Tabriz: International Entrepôt under the Mongols. In **Politics, Patronage and the Transmission of Knowledge in 13th-15th Century Tabriz**. Leiden: Brill. 321-356.
- Golombek, L. (1969). **The Timurid shrine at Gazurgah**. Toronto: University of Toronto press.
- ----- (1983). The resilience of the Friday mosque. *Muqarnas*, 1 (1), 95-102.
- Hillenbrand, R. (2004). The Timurid Achievement in Architecture. in a **survey of Persian Art from prehistoric times to the present**. Daneshvari, Abbas (Ed.). Costa Mesa: Mazda. 83-124.
- Masson, M.E. & Pugachenkova, G.A. (1980). shakhri syabz pri Timure I Ulug Beke2. *IRAN*, 18 (1), 121-143.
- O’Kane, B. (1996). Monumentality in Mamluk and Mongol Art and Architecture. *Association of Art History*, 19 (4), 499-522.
- ----- (2017). Architecture and court cultures of the fourteenth century. **A companion to Islamic Art and Architecture**. Barry Flood, Finbarr & Nesipuglu, Gurlu (Eds.). Oxford: John Wiley & Sons. 585-615.
- Subtelny, M. (1991). A Timurid educational and charitable foundation: THE IKHLASIYYA COMPLEX OF ALI SHIR NAVAII IN 15TH-CENTURY HERAT AND ITS ENDOWMENT. *Journal of the American Society*, 3 (1), 38-61.
- Williams, C. (2002). **Islamic monument in Cairo**. New York: The American University in Cairo.
- Yeomans, R.(2006). **The art and Architecture of Islamic Cairo**. London: Garnet.

Received: 2020/11/10

Accepted: 2021/05/17

An Investigation of Models of Installation of Memorial Buildings in the Two Urban Axes of the 9th and 10th Centuries AH based on Two Historical Texts

Shahin Garakani Dashteh* Mohammad Mortezaei
Mohammad Esmaeil Esmaeili Jelodar*****

Abstract

Herat and Cairo were two important Islamic cities in the Middle East, from the seventh to the ninth century AH. Cairo was the capital city of the Mamluks and Herat was the capital city of the Timurid government in Iran. In this paper, the construction of important urban monuments and buildings in the two main arteries, Herat Street (southern part of it) and Cairo's Qasabeh Street, was examined. The purpose of this investigation is to evaluate and analyze the similarities and structural differences in these two important urban arteries and, as a result, to understand the effects of each one on the other. The main research question raised in this study is what similarities and differences do the two constructions built by the Herat Street and Qasabeh Street have? This study is an analytical-historical research one and the data were gathered based on library research based on two main resources. The data were also compared with other less-important resources. The results of this research indicated that the memorial complexes in Qasabeh Street and the southern part of Herat Street had some similarities. In most of these constructions, with public and religious uses, architectural complexes, alongside the tomb of the creator of the complex, were all built along the street. The layout of these complexes along the route, in addition to decorating the city walls, made these streets look like Mazar Street (khiyaban-Mazar). It should also be noted that, in the comparison between two streets, there was an urban order in the way the buildings were constructed along Herat Street. Overall, based on the findings of this study, it could be concluded that in the seventh to tenth centuries AH, a type of urban axis design was common in the Middle East in which the type of installation and use of buildings in the direction of the axis was considered.

Keywords: Mazar Street, Establishment patterns, Qasabeh Street, Herat Street, Cairo

* Ph.D. student of Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

shaahin.dashteh@gmail.com

** Associate Professor, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Iran (Corresponding Author).

m_mortezaei2008@yahoo.com

*** Associate Professor, University of Tehran, Iran.

jelodar@ut.ac.ir